

بررسی ویژگی‌ها و عملکرد شش موجود افسانه‌ای در افسانه‌های ترکمنی

بخش دوم: پری



آنادریدی کریمی



در دو شماره قبلی مجله میرداماد، به تفصیل، ویژگی‌ها و عملکرد دیو را بررسی نمودیم. در این شماره به مهمترین ویژگی‌ها و عملکرد موجود افسانه‌ای/ خیالی پری خواهیم پرداخت. ابتدا معنای واژه پری را در زبان فارسی و ترکمنی خواهیم نوشت. در لغت نامه دهخدا معانی مختلفی برای این واژه ذکر شده است. «موجودی متوهم صاحب پر که اصلش از آتش است و به چشم نیاید و غالباً نیکوکار است، بالعکس دیو که بدکار باشد. فرشته، مقابل دیو. همزاد، جان، جن، جنی ... خافی. حوری. ملک ... نوعی از زنان جن که نهایت خوبرو باشند و ...»

درباره مفهوم این واژه در فرهنگ فشرده سخن حسن انوری چنین می‌خوانیم: ۱- (فرهنگ عوام) موجودی لطیف و بسیار زیبا و نیکوکار و نامرئی که گاه خود را نشان می‌دهد و با جمالش انسان را فریفته خود میکند. ۲- زن یا دختر زیبارو و دارای اندام ظریف ۳- جن کلمه پری در زبان ترکمنی «پری» تلفظ می‌شود. در فرهنگ توضیحی زبان ترکمنی در این باره چنین آمده است: ۱- در افسانه‌ها و آثار تخیلی [به معنای] دختر زیبا ۲- (در معنای مجازی) زیبا، قشنگ. (تورکمن دیلی نینگ دوشوندیریشلی سۆزلوگی) و «پریزاد» نیز فرزند پری و زیبارو و نازنین معنا شده است. (همان)

«پری- موجودی افسانه ای- اسطوره ای معمولا به شکل زنی زیبا و نیک سرشت که در فرهنگ و ادبیات عامه نقش و حضوری پررنگ دارد. اگرچه گاه پری موجودی خبیث و با دیو و جن یکسان دانسته شده، اما عامه مردم غالبا او را موجودی مهربان، فرشته خو و یاریگر انسان میدانند.» (اسپرغم، ۱۳۹۳: ۳۹۱) همین پژوهشگر در مقاله ارزشمند «سیمای پریان در افسانه های ایرانی» به موضوعات و مطالبی چون ظاهر پریان، پریان در قالب جانوران، جنسیت پریان، پریان و عشق، ازدواج پری و آدمی، خلق و خوی پریان، پریان و جادو، پریان و پیشگویی، سرعت حرکت پریان، پریان و آب، سرزمین پریان، پریان و سلیمان، پری و دیو، تسلط بر پریان، پریان و عدد چهل و پریان و مرگ پرداخته است. (اسپرغم، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۸۸) برخی از این عناوین و موضوعات در مورد پژوهش ما یعنی بررسی عملکرد و ویژگی های پری در افسانه های ترکمنی نیز صدق می کند. بنابراین ما به بعضی از این عناوین و موضوعات نیز توجه خواهیم کرد.

قبل از پرداختن به ویژگی ها و عملکردهای پریان و دیگر موضوعات مرتبط، ذکر این نکته ضروری است که هرچند که در افسانه های ترکمنی از پری و پریزاد نام برده می شود ولی به نظر نگارنده در همه این موارد، این واژه ها به مفهوم پری یعنی موجود خیالی و اثری نیست، زیرا صاحب ویژگی های متفاوت و توانایی های خارق العاده نیستند. این واژه در برخی از افسانه های ترکمنی صرفا برای زنان زیبارو به کار برده شده است. به این مورد در جای خود اشاره خواهیم کرد.

زیبایی پریان: در برخی از افسانه ها از زیبایی فوق العاده زنان بحث می شود و از آنان با عنوان پری یاد می شود. پری و در مواردی پریزاد یاد می شود، ولی این زنان جز زیبایی که یکی از صفات و ویژگی های پریان است، خصوصیت خاص دیگری ندارند. برای نمونه فاقد قدرت پیش بینی، پرواز، تغییر شکل و ... هستند.

در افسانه قاراجاباتر [قاراجا دلور] سه دختر حضور دارند که از آنان با عنوان پری یاد می شود. آنان زیبا هستند. در افسانه چنین آمده است که اگر ماه بگویی، دهان دارد و اگر خورشید بگویی، چشم دارد. (الله ناظروف، ۲۰۰۷: ۲۹۹) در افسانه پسر دویه بهاءالدین، از یک پری فوق العاده زیبا نام برده می شود که پیرزنی با دیدن او چنان محو تماشایش می شود که دستش را می برد (قاقالییوا، ۲۰۰۸: ۹۵) هرچند این زن زیبا، همسرش را راهنمایی می کند تا در انجام مأموریت هایش موفق شود، ولی جز این دو مورد ویژگی پریان را ندارد. در افسانه شامار از یک پری سخن می رود که در سرزمین پریان زندگی می کند و آن چنان زیباست که برای دیدنش چشم لازم است. او وقتی که آب می نوشد، آب در گلویش دیده می شود. (همان، ص ۳۶۷) در افسانه میمون بیگم و هاشمجان (۱) نیز زیبایی پری مطرح می شود. او چون تکه ای از ماه زیباست و برای دیدن زیبایی او چشم لازم است. (گلدیووا، ۲۰۰۶: ۳۲۰)

نمونه‌های دیگری هم می‌توان ذکر کرد ولی ما به همین موارد اکتفا می‌کنیم. می‌توان چنین گفت: «یکی از مهمترین ویژگی‌هایی که سبب می‌شود که شاهان و پهلوانان [و دیگر شخصیت‌ها] شیفته‌ی پریان شوند و با آنها وصلت کنند، زیبایی و جمال دلفریب آنهاست.» (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۱)

ازدواج پری و آدمی: در برخی از افسانه‌های ترکمنی به موضوع ازدواج پری و آدمیان برخورد می‌کنیم. گاهی آدمیان پیشنهاد ازدواج به پریان می‌دهند و گاهی نیز پریان. قهرمانان افسانه‌ها به طرق مختلف عاشق پریان می‌شوند. قهرمان گاهی با دیدن تصویر یا نقاشی پری در یک محل شیفته و دل‌باخته او می‌شود. این نمونه را به وضوح در افسانه‌ی پری مشاهده می‌کنیم. قهرمان افسانه که پسر پادشاه است، نقاشی و تصویر آبی پری را در روی دیوار طبقه هفتم ساختمان پدر خود می‌بیند و با مشاهده آن بیهوش می‌شود. (قافالیو، ۲۰۰۸: ۴۰) و در ادامه افسانه به جستجوی او می‌رود. چنین موردی را در افسانه پنج قلندر نیز می‌بینیم که پادشاه و پسرش با دیدن تصویر یک زن عاشق او می‌شوند. (همان: ۵۵) در افسانه حوْجا کوْش- کوْش نیز پسر پادشاه با دیدن تصویر یک پریزاد شیفته و دل‌باخته و بیهوش می‌شود. (گلدیو، ۲۰۰۶) در افسانه دیگری، قهرمان، دختر بسیار زیبا را در آن سوی رود می‌بیند و شیفته او می‌شود و به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد و آن دختر زیبا با شرایطی پیشنهاد او را می‌پذیرد.

در چندین افسانه ترکمنی پیشنهاد ازدواج از سوی پریان، البته با ذکر شرایطی مطرح می‌شود. در افسانه اژدها و چوپان، یک پری به چوپانی می‌گوید اگر سه شرط مرا بجای بیاوری من با تو ازدواج خواهم کرد. اول آن که کاری به کار فرزندان نداشته باشی، دوم این که وقتی من موهای سرم را شانه می‌زنم تو نباید به من نگاه کنی و سوم وقتی که من جهت رفع حاجت بیرون می‌روم، نباید از پشت سرم نگاه کنی. چوپان شرایط پری را می‌پذیرد و آن دو با هم زندگی مشترک تشکیل می‌دهند. اما پس از مدتی اتفاقاتی پیش می‌آید که چوپان نمی‌تواند بر کنجکاوی خود غلبه نماید. برای نمونه پری فرزندان خود را به سگ‌هایی که در آن محوطه می‌گشتند، می‌دهد و یا در مراسم فوت مادر چوپان، پری یعنی همسر چوپان رفتارهای غیرمعمول چون خندیدن و ... انجام می‌دهد. چوپان وقتی که همسرش برای رفع حاجت بیرون می‌رود، از پشت سر به او نگاه می‌کند و می‌بیند که دل و جگر زنش به دنبال او از روی زمین کشیده می‌شود و یا زنش موقع شانه زدن، سر خود را از تن جدا می‌کند و شانه می‌زند. پری به خاطر این که چوپان شرایط او را بجای نیاورده است تبدیل به گردباد می‌شود و می‌رود و البته دو فرزند خود را تحویل می‌گیرد و پیش چوپان می‌گذارد. (قافالیو، ۲۰۰۸: ۱۵-۱۴) در افسانه یدِیگه سلطان هم مردی در کنار دریا یک پریزاد زیبا را می‌بیند. دختر زیبارو از آن مرد می‌خواهد که او را به همسری برگزیند. او هم سه شرط برای ازدواج دارد. او می‌گوید: وقتی که موهایم را شانه می‌زنم، به من نگاه نکن

و به هنگام راه رفتن به پاهایم نگاه نکن و وقتی خوابیدم به پهلوی من دست نزن... این مرد نیز همچون قهرمان افسانه اژدها و چوپان نمی تواند بر کنجکاوای خود غلبه نماید و قولش را زیر پا می گذارد. زن به او می گوید: تو شرط ها را به هم زدی. حالا من از تو جدا می شوم و می روم. در شکم بچه شش ماهه تو را دارم بعد از به دنیا آوردن او را کنار دریا رها می کنم و می روم. (همان: ۴۲۱)

در افسانه دو فرزند پادشاه که از کنیز متولد شده اند، قهرمان افسانه به شهر پریان می رود. دختر پادشاه که پهلوان است، برای خواستگاران خود شرط مبارزه گذاشته است. هرکس که بتواند او را شکست بدهد، می تواند با این دختر ازدواج کند و اگر شکست بخورد، پری او را در چاهی محبوس خواهد کرد. شاهزاده در این مبارزه شکست می خورد و در چاهی زندانی می شود. (الله ناظاروف، ۲۰۰۷: ۲۰۳، ۲۰۲)

در تعدادی از افسانه ها، پریان تمایل دارند که با آدمیان هم بستر شوند. در افسانه پسر دویه بهاءالدین، ظالم پری تمایل خود را برای هم بستری با قهرمان اعلام می کند و ... (قاقالییوا، ۲۰۰۸: ۹۷) بالایی حسنی در افسانه شاهی محرم، نزد قهرمان افسانه می آید و بی هیچ شرطی به او پیشنهاد ازدواج می دهد و می گوید اگر تو مرا به همسری انتخاب کنی، من تو را بی نیاز خواهم کرد. (حال موحاممدوف، ۱۹۷۹: ۲۱۸) ازدواج آی پری با قهرمان افسانه و ازدواج پری مهربان با جهان پهلوان نیز بدون شرط و شروط می باشد. (قاقالییوا، ۲۰۰۸: ۱۸۳، ۴۸) نکات بالا نشانگر این موضوع است که پریان تمایل دارند که با آدمیان وصلت نمایند و صاحب فرزند شوند. در این ارتباط دیدگاه و نتیجه گیری بدریه زارعی در مقاله «سیمای پری و زنان پری وار در قصه های عامیانه هرمزگان» می تواند قابل تأمل باشد. ایشان نوشته اند: «یکی از مهمترین خویشکاری های پری، زاینده گی است. در قصه های عامیانه هرمزگان نیز وصلت پری و زنان پریوار در راستای تحقق خویشکاری زاینده گی صورت می گیرد. در این حالت پری یا زنان پری وار با هیأتی انسانی یا حیوانی بر مردان ظاهر می شوند و با جلوه نمایی و اظهار عشق به ازدواج با آنها می پردازند و پس از فرزندزایی نقش آنها خاتمه می یابد، از عرصه ی داستان خارج می شوند.» (زارعی، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۲) به نظر نگارنده مواردی از دیدگاه این پژوهشگر می تواند درباره افسانه های ترکمنی نیز صدق نماید.

پریان در قالب های مختلف: در افسانه های ایرانی «پریان می توانند به هر شکلی که بخواهند درآیند» (اسپرغم، ۱۳۹۰: ۹۰) و بیشتر به شکل و قالب حیوانات درمی آیند. «در افسانه ها و داستان های ادب عامه پریان به شکل جانوران مختلفی به ویژه کبوتر، قمری، ماهی، آهو، مار، اسب، گرگ، کلاغ، گورخر، شیر، اژدها و مارمولک دیده می شوند. (اسپرغم، ۱۳۹۳: ۳۹۷) و البته در بسیاری موارد هم پریان به شکل پرندگان (به ویژه کبوتر/ کفتر) ظاهر می شوند. (شمسی، ۱۳۹۵: ۱۲۱)

همه موارد ذکر شده در افسانه های ترکمنی مورد مطالعه ما مشاهده نمی شود. در افسانه های

ترکمنی نیز، در بیشتر موارد پریان به شکل کبوتر هستند. به دو مورد اشاره می‌کنیم. در افسانه خواب فروخته شده می‌خوانیم که چند کبوتر می‌آیند و تبدیل به پری می‌شوند و به آب تنی می‌پردازند. (حال موحاممدوف، ۱۹۷۹: ۱۸۱) در افسانه چوپان و پادشاه چنین آمده است: «پس از مدتی چند پری که توی جلد کبوتر رفته اند، می‌آیند.» (پاک، ۱۳۸۹: ۱۴۵) (۲) در افسانه پسر دیوانه نیز شاهد این اتفاق هستیم. (گلدیوا، ۲۰۰۶: ۵۲)

پریان در افسانه‌های ترکمنی در قالب مار سفید هم ظاهر می‌شوند. در افسانه اِرَنهَمِن کِل، مار سفیدی به شخصیت اصلی افسانه پناه می‌برد و سپس به شکل پری زیبایی درمی‌آید (قاقالیوا، ۲۰۰۸: ۱۰۳، ۱۰۲) در افسانه کِل اوغلان نیز مار سفیدی به شکل پری درمی‌آید (متراد قولیوا، ۲۰۱۱: ۳۱۶)



در افسانه میمون‌بیگم و هاشمجان، پری به شکل میمون درمی‌آید و با قهرمان افسانه ازدواج میکند. (گلدیوا، ۲۰۰۶: ۳۱۲) و این مورد را در افسانه گلنار نیز می‌بینیم. (دیه جی، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۰۸) (۳)

در افسانه اژدها و چوپان، گردبادی بلند می‌شود و از میان آن یک پری بیرون می‌آید. (قاقالیوا، ۲۰۰۸: ۱۴)

در افسانه‌ها کالبد جانوری پریان در اصطلاح جلد خوانده می‌شود که برای دور ماندن از چشم آدمی به درون آن می‌روند و تنها در جمع خودشان از آن خارج می‌شوند. (اسپرغم، ۱۳۹۳: ۳۹۷) و گاه برای آب تنی از جلد خود بیرون می‌آیند، اگر کسی جلد آن‌ها را بریاید نمی‌توانند بگریزند. (افشاری

۱۳۹۷: ۵۹۵ به نقل از شمس، ۱۳۹۶: ۹۶) این جلد برای پریان فوق العاده اهمیت دارد و اگر کسی جلد پریان را بردارد، آنها در ازای پس گرفتن آن، خواسته‌های آن شخص را برآورده میکنند (اسپرغم: ۳۹۷) این مورد را در افسانه‌های ترکمنی هم مشاهده می‌کنیم. در افسانه خواب فروخته شده، پری به قهرمان افسانه که لباس‌های او را برداشته است، می‌گوید که اگر لباس‌ها را تحویل بدهد، هرکاری داشته باشد برای او انجام خواهد داد. (حال موحاممدوف، ۱۹۷۹: ۱۸۱) در افسانه پسر دیوانه نیز شاهد چنین صحنه‌ای هستیم. قهرمان لباس‌های کوچکترین پری را برمی‌دارد... آن پری پس از بیرون آمدن از آب چندبار از رباینده لباس هایش می‌خواهد که آن‌ها را پس دهد. در بارپنجم داد می‌زند که اگر لباس‌هایمان

را تحویل بدهی، به سر حضرت سلیمان قسم می خورم که از ته دل خواسته تو را برآورده سازم... قهرمان از محل اختفا درمی آید و از او می خواهد که دوباره قسم خود را تکرار کند... پری چنین می کند... قهرمان لباس های او را تحویل می دهد و عشق خود را نیز اعلام می کند. (گلدیوا، ۲۰۰۶: ۵۳-۵۲) و در ضمن اگر کسی جلد پریان را از بین ببرد، آنها برای همیشه راهی سرزمین خود می شوند و در این صورت پیدا کردن آنها کاری بسیار دشوار است زیرا معمولا شهر پریان در مکانی بسیار دور واقع شده که برای رسیدن به آنجا باید راهی طولانی پیمود. (اسپرغم، ۱۳۹۰: ۹۲) در افسانه گلنار، میمون که در اصل پری است، به شوهرش، پوست میمون را می دهد و می گوید: «بیا به مهمانی برویم ولی مواظب باش کسی این پوست را نذرزد. اگر آن را بدزدند، تو دیگر هیچ وقت نمی توانی مرا ببینی.» در ادامه افسانه، دو برادر بزرگتر شاهزاده، پوست را می دزدند و در آتش می سوزانند. صدای وحشتناکی از پوست بلند می شود و پوست خیلی زود خاکستر می شود و از میان می رود و گلنار غیب می شود. (دیه جی، ۱۳۸۸: ۱۱۰) در افسانه میمون بیگم و هاشم جان نیز برادران شاهزاده لباس های میمون را آتش می زنند... و پری که در افسانه دژپری خوانده می شود، تکانی به خود می دهد و به کبوتری تبدیل می شود و می رود... هاشمجان به دنبال پری روانه و سختی ها و مشقت های فراوان را متحمل می شود و پس از مدت ها او را می یابد و دوباره با او ازدواج می کند (گلدیوا، ۲۰۰۶: ۳۲۸-۳۲۱)

پریان و علاقه به موسیقی و برگزاری جشن: در چندین افسانه ترکمنی شاهد برگزاری جشن و پایکوبی پریان هستیم. به دو مورد اشاره می کنیم. در افسانه «چوپان و پادشاه» چوپان با کمک دیو یاریگر، پری گلریز را به خانه اش می برد. «شب دوستان پری گلریز پروازکنان آمدند و شروع به آواز خواندن و رقصیدن کردند.» (پاک، ۱۳۸۹: ۱۴۶) در افسانه شامار، پریان از هفت طبقه آسمان می گذرند و در قصر باشکوه فرود می آیند و در آنجا پریان مایل هستند که مجلس آواز و موسیقی و رقص داشته باشند. (قافالیوا، ۲۰۰۸: ۳۷۰)

پریان و علاقمندی به آب و آب تنی: «پریان علاقه بسیاری به آب و آب تنی و در نتیجه آب گیرها و چشمه ها دارند. در بسیاری از قصه ها از آب تنی پریان در چشمه ها سخن به میان می آید و به همین جهت معمولا قهرمان قصه برای به دام انداختن آنها و در نتیجه رسیدن به خواسته هایش در کنار چشمه هایی که پریان برای آب تنی به آنجا می روند، به کمین آنها می نشینند.» (اسپرغم، ۱۳۹۰: ۱۰۳)

ما این مورد را در افسانه های خواب فروخته شده، پسر دیوانه مطرح کردیم. به نظر فاطمه شمسی، «در کل، تصویر پریانی که در برکه آب تنی می کنند و از جلد کبوترانه خود بیرون آمده اند کنایه از ویژگی گشتاری این موجودات بوده است. این تصویری است که در بیشتر داستان های پری وار و باورهای عامیانه نیز وجود دارد. نیز از دیرینگی ارتباط پریان با آب و باروری و همین طور قدرت تغییر شکل آن ها در متون کهن حکایت دارد.» (شمسی، ۱۳۹۵: ۱۲۲) و ثمین اسپرغم در

همین ارتباط یعنی علاقه بسیار پریان به آب و آب تنی و ملاقات قهرمان در کنار چشمه، چنین می نویسد: «این امر نشانی است از اینکه پری الهه فراوانی و باروری، و با آب و باران در پیوند بوده است.» (اسپرغم، ۱۳۹۳: ۳۹۸) آیا دیدگاه این دو پژوهشگر در این مورد درباره افسانه های ترکمنی هم صدق می کند؟ نگارنده در این مورد قادر به پاسخ صریح نیست. امیدوار است که متخصصان و افسانه پژوهان به اظهار نظر بپردازند.

برخی از موضوعات چون سرزمین پریان، پریان و دیو و... در این مقاله و یا در شماره قبل آمده است و در اینجا از تکرار آن خودداری می کنیم. در ادامه مقاله دو موضوع مهم و حساس در ارتباط با کارکردها و ویژگی های پریان را پی می گیریم.

قدرت و توانایی های پریان: پریان در افسانه های ترکمنی، همچون افسانه های ایرانی از قدرت و توانایی های مختلفی برخوردار می باشند. به برخی از این توانایی ها اشاره می کنیم. همانطور که قبلاً ذکر شد زنان زیبارو نیز در افسانه های ترکمنی پری و یا پری زاد نامیده می شوند. این زنان در بسیاری موارد از قدرت و توانایی های ویژه پریان مورد بحث برخوردار نیستند، ولی با این وجود عده ای از آنان دانا و توانمند هستند و همسر خود و یا قهرمان را راهنمایی می کنند و به بیانی دیگر نقش مشاور و راهنما را ایفا می کنند. برای نمونه در افسانه فرزند دوزنده، دختر پادشاه به قهرمان افسانه کمک می کند که معماهای مطرح شده را حل کند و بدین طریق قهرمان می تواند با دختر پادشاه ازدواج کند. (حال موحاممدوف، ۱۹۸۰: ۱۸۶-۱۸۱) در افسانه های خواب فروخته شده و چوپان و پادشاه، زن چوپان که از او با عنوان پری یاد می شود، مشاور و راهنمای خوبی برای شوهرش است و قهرمان با راهنمایی های او و یاری دیگران در مأموریت های خود موفق می شود. (حال موحاممدوف، ۱۹۷۹: ۱۸۲-۱۷۷، پاک، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۳۹)

زن زیباروی افسانه جهان پهلوان، برخی از ویژگی های پریان را دارد. این پری مهربان در بخشی از افسانه دعا می کند و با دعای او هوا صاف و اژدها گم و گور می شود و در ضمن این پری با سیمرغ نیز ارتباط دارد. (ققالیووا، ۲۰۰۸: ۱۸۳-۱۷۸)

پریان به عنوان موجودات اثیری و خیالی، سرعت بالایی دارند و در مدت زمان کوتاهی میتوانند مسیرهای بسیار طولانی را طی کنند و یا قهرمان را در یک چشم به هم زدن به مقصد موردنظر برسانند. برای این موضوع سه افسانه را نام می بریم. در افسانه صالح بای چنین موردی اتفاق می افتد (همان: ۳۵۲) و در افسانه پسر دؤیه بهاءالدین، دو پری، قهرمان را در مدت دو ساعت به کشورش می رسانند. فاصله آن ها تا سرزمین قهرمان صد سال راه بود. (همان: ۹۷-۹۸) در افسانه پری مهربان و جوان خدمتکار، پری مهربان، قهرمان را در یک چشم به هم زدن به محل طلوع خورشید و ماه می رساند. (پاک، ۱۳۸۹: ۲۴۶)

پریان افسانه های ترکمنی همچون افسانه های ایرانی، توانایی تغییر شکل و پیکرگردانی دارند. در این مقاله به افسانه هایی اشاره شد که در آن ها، پریان به شکل کبوتر ظاهر

می شوند و یا در افسانه دیگر پری به شکل میمون دیده می شود. قدرت و توانایی پرواز هم از دیگر ویژگی های پریان می باشد. پریان قادر هستند در آسمان پرواز کنند و از سرزمینی به سرزمین دیگر بروند. آنان بیشتر اوقات به شکل کبوتر و بطور دسته جمعی پرواز می کنند. برای نمونه در افسانه شاهی محرم، چهل و پنج پری پروازکنان پیش پادشاه می آیند. (حال موحاممدوف، ۱۹۷۹: ۲۱۸) و البته در مواردی نیز به تنهایی پرواز می کنند. (پاک، ۱۳۸۹: ۴۶)

پری افسانه اژدها و چوپان به گردها تبدیل و در آسمان غیب می شود. (ققالیووا، ۲۰۰۸: ۱۵) در برخی از افسانه های ترکمنی، دعا، کلام، موی پریان حالت سحرآمیز دارد و در افسانه کل اوغلان نیز پادشاه مارها، دارای انگشتر سحرآمیز است. در افسانه پسر دویه بهاءالدین، از دعایی سخن به میان می آید که خاصیت ویژه ای دارد. اگر به این دعا نگاه کنی، سیب می گرید و انار می خندد و این دعا در نزد ظالم پری هست. (الله ناظاروف، ۲۰۰۷: ۳۸۹، ۳۸۷) در تعدادی از افسانه های ترکمنی، پریان مقداری از موهای خود را به قهرمانان افسانه ها می دهند تا در موقع گرفتاری و... آن را آتش بزنند. با آتش زدن موها بلافاصله پریان نزد قهرمانان می آیند و مشکلات آنان را برطرف می کنند. برای نمونه می توان از افسانه پسر دویه بهاءالدین نام برد. (همان: ۳۸۹)

در افسانه ارنهمن کل، پری افسانه که در ابتدا به شکل مار سفید ظاهر می شود، به پسر می گوید که هرگاه برای تو مشکلی پیش آمد و یا خواسته ای داشتی، کلام «به دستور مار سفید، آرزو و خواسته من برآورده شود» را به زبان بیاور. آن موقع خواسته تو انجام خواهد شد. (همان: ۱۰۹-۱۰۲)

پادشاه مارها در افسانه کل اوغلان صاحب یک انگشتر سحرآمیز است. او آن را به عنوان پادشاه به قهرمان افسانه می دهد و قهرمان با این انگشتر به خواسته های خود می رسد. (مثراد قولیووا، ۲۰۱۱: ۳۱۶)

برخی از پری واره ها و پریان افسانه های ترکمنی سواد خواندن و نوشتن هم دارند. در افسانه صالح بای، دختری به یک پری به نام گل که اسیر دیو است، نامه ای می نویسد و از او می خواهد که با قهرمان افسانه همکاری می کند. (ققالیووا، ۲۰۰۸: ۳۴۸) پری گلریز در افسانه چوپان و پادشاه، دفتری را خط خطی می کند و آن را داخل جیب چوپان می گذارد. (پاک، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

بعضی از پریان افسانه های ترکمنی در سوزن دوزی مهارت دارند. در افسانه صالح بای از دستمالی سخن به میان می آید که یک پری به زن صالح بای داده بود. این دستمال، سوزن دوزی های ظریف و رنگارنگ داشت و چشم آدمی را خیره می کرد. یکی از زنان باتجربه و دنیادیده می گوید که این کار آدمیزاد نمی تواند باشد، این کار یک پری است. (ققالیووا، ۲۰۰۸: ۳۴۷)

در افسانه‌های ترکمنی، پریانی هم حضور دارند که از قدرت جادویی برخوردارند و انسان‌ها را تبدیل به سنگ می‌کنند. در افسانه چوپان و پادشاه وقتی که قهرمان به پشت سرش نگاه می‌کند، در همان لحظه پری گلریز او را طلسم می‌کند و چوپان سنگ می‌شود... در همین افسانه، همین پری، پادشاه را تهدید می‌کند و به او می‌گوید که با چوپان کاری نداشته باشد وگرنه او را تبدیل به سنگ خواهد کرد. (پاک، ۱۳۸۹: ۱۴۶-۱۴۵) در افسانه آی پری، شاهد قدرت و توانایی پیشگویی پری افسانه هستیم. او قهرمان را پیشاپیش از توطئه پدرش که قصد دارد به او زهر بخوراند آگاه می‌کند و به او می‌گوید وقتی که به مهمانی پدرش رفتی، در صدر خانه یک جارو هست، آن را بردار و روی آن بنشین، چون آن‌ها محل نشستن تو را پر از سوزن کرده‌اند و وقتی که پلو را برای تو و پادشاه آوردند، تو از قسمت پلوی پادشاه بخور، چون پلوی قسمت تو زهرآلود است و اگر بخوری می‌میری. این پری با این پیشگویی مانع مرگ قهرمان می‌شود. البته در یک مورد، آی پری از این قدرتش سود نمی‌جوید و در یک حادثه قهرمان از دو چشم نابینا می‌شود. ولی در ادامه آی پری از زیرکی و هوش خود استفاده می‌کند و برای نجات قهرمان اقدام می‌کند. (قاقالیووا، ۲۰۰۸: ۴۸-۴۶)



در دو افسانه ازدها و چوپان و یدیکه سلطان، پریان اعمالی انجام می‌دهند که نشانگر توانایی‌های خارق‌العاده آنان می‌باشد. وقتی که پری برای رفع حاجت می‌رود، چوپان از پشت سر به او نگاه می‌کند و می‌بیند که دل و جگرش به دنبال او از روی زمین کشیده می‌شود و یا موقع شانه کردن موهایش، سرش را از تن جدا می‌کند و شانه می‌زند. علاوه بر این موارد، این پری موقعی که مادرشوهرش فوت می‌کند به شوهرش می‌گوید که به دنبال مادر تو یک جارو می‌رفت. (همان، ۱۴-۱۵) پری در افسانه یدیکه سلطان، موقع شانه کردن موهایش، سرش را در دامنش می‌گذارد و شانه می‌زند. راه رفتن او نیز با دیگران تفاوت زیادی دارد. او پاهایش را به عقب می‌چرخاند و راه میرفت. (همان، ۴۲۱)

پریان می‌توانند در عرض یک شب قصرها و قلعه‌های باشکوه و اعجاب‌انگیز بسازند. در افسانه پسر دویه بهاء‌الدین، پریان در عرض یک شب قلعه‌ای می‌سازند که چهار دروازه دارد

و هر یک از این چهار دروازه، نشانگر یک فصل می باشند. (همان، ۹۸)

در افسانه چوپان و پادشاه، وقتی که پری گلریز از خوشحالی با صدای بلند می خندید، از دهانش گل های رنگارنگ بیرون می ریخت. (پاک، ۱۳۸۹: ۱۴۶) در افسانه صالح بای، اشک چشمان پری تبدیل به جواهر می شود. (قاقالییوا، ۲۰۰۸: ۳۴۸)

پریان علاوه بر این توانایی ها و قدرت خاص در مواردی ثروت فراوان دارند. در افسانه گلنار می خوانیم که پری از شوهرش می خواهد که در پشت کوه یک مهمانی برگزار کند. بهتر است بخشی از این افسانه را با هم مطالعه کنیم. «پسرکوچتر همنشینان پدر و دو برادرش را به آنجا برد. در پای کوه، برای بستن افسار هر اسبی، پایه های طلایی کاشته شده بود و برای هر یک از مهمانان، در ظرفهای طلایی، غذاهای رنگارنگ و خوش طعم گذاشته بودند. مردان نشستند و خوردند و لذت بردند و بعد برخاستند. آن وقت پسر کوچتر داد زد: «ای مهمانان عزیز! هر کدام ظرفهای طلایی را که در آن غذا خوردید و پایه های طلایی را که به آن افسار اسبهایتان را بستید، بردارید و ببرید. این هدیه ما به شماست.» (دیه جی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

زنان پری وار و پریان در نقش یاریگر: سوسن جبری و سحر یوسفی در مقاله «پیوند عناصر جادویی و انگاره های کهن الگویی در قصه های عامه» در مورد کارکردهای دوگانه پریان چنین مینویسند: «پریان کارکردهای دوگانه دارند که ناشی از برخورد دوگانه در طول تاریخ با این موجود است، چنان که در اوستا کهن ترین متن ها و سرودهای ایرانی متعلق به زنان جادوگری است که از همکاران اهریمن به شمار می آیند. این در حالی است که در اندیشه های عامه پریان موجودات فرازمینی و زیبا هستند که با در اختیار قرار دادن عناصر جادویی، یاریگر قهرمان هستند، اما گاهی هم خود آن ها مانند آدمیان، اسیر و گرفتار دیو می شوند و این قهرمان است که یاریگر پریان خواهد شد. پریان گاه با چهره خطرناک خود در قصه ها نمود می یابند. با این حال داشتن قدرت جادویی با سرشت آن ها عجین است.» (جبری، ۱۳۹۵: ۹۵)

در افسانه های ترکمنی نیز با کارکرد دوگانه پریان روبرو هستیم. گاهی چهره منفی و ضد قهرمان دارند و گاهی هم در نقش راهنما و یاریگر ظاهر می شوند. البته نقش یاریگری آنان پررنگ تر است. مواردی از نقش منفی پریان را در همین مقاله ذکر کرده ایم، این پریان در مقابل قهرمان قرار میگیرند و او را زندانی و در بعضی از صحنه ها قهرمان را تبدیل به سنگ می کنند. در افسانه پریزاد با یک پریزاد مواجه می شویم که در ابتدا با راهزنان علیه شخصیت های افسانه همکاری میکند و در ادامه نقش مثبت پیدا می کند و یکی از شخصیت ها را راهنمایی می نماید. (قاقالییوا، ۲۰۰۸: ۵۳-۵۰)

در بیشتر افسانه های ترکمنی زنان پریوار و پریان چهره مثبت دارند. یاریگری آنان به شکل های مختلف صورت می گیرد. ما در ادامه مقاله به اختصار به این موارد اشاره خواهیم کرد. زنان پریوار و پریان در برخی از افسانه ها، نقش مشاور و راهنما را ایفا می کنند و به قهرمان دلداری می دهند و او را هدایت می کنند. قهرمان مجبور می شود به دستور پادشاه

یا حاکمان دیگر اقداماتی انجام دهد و یا به مأموریت‌های خطرناک و ناممکن برود و یا معماهای سخت را حل نماید. دو نمونه افسانه را ذکر می‌کنیم. در افسانه پسر دوزنده قهرمان زندانی و به طریقی با دختر پادشاه آشنا می‌شود و آن دو به یگدیگر دل می‌بندند. در این افسانه این دختر پری خوانده می‌شود. پادشاه قدرتمند سرزمین دیگر از این پادشاه می‌خواهد چند معما را حل کند و گرنه سرش را بر باد خواهد داد. پسر با راهنمایی و کمک دختر معماها را حل می‌کند و در نهایت موفق به ازدواج با دختر پادشاه می‌شود. (حال موحاممدوف، ۱۹۸۰: ۱۸۶-۱۸۱) اگر راهنمایی‌های دختر یا پریوار افسانه نبود، قهرمان همچنان در زندان محبوس میماند و موفق به ازدواج با دختر پادشاه هم نمی‌شد.

در افسانه خواب فروخته شده هم زن پریوار حضور دارد و هم پری. در این افسانه، چوپان به طور اتفاقی با پریزاد آشنا می‌شود و با او ازدواج می‌کند و آن دو به سرزمین دیگری می‌روند. پادشاه آن سرزمین با کمک مرد کوسه در پی تصاحب زن زیبای چوپان است. پادشاه برای این منظور قصد دارد چوپان را به مأموریت‌های خطرناک مانند آوردن شیر مادایان سیاه، آوردن گل‌هایی که از دهان یک پری بیرون می‌ریزد و... بفرستد. چوپان ناتوان و درمانده پیش همسر خود می‌آید و او چوپان را راهنمایی می‌کند. در ادامه افسانه چوپان نزد پری می‌رود و حتی از سوی او تبدیل به سنگ می‌شود و بعد با کمک یک دیو پیرزن نجات می‌یابد و پری را با خود می‌برد. این پری و پریان تحت خدمت او به چوپان برای انجام دیگر مأموریت‌هایش یاری می‌رسانند. چوپان بدین طریق از شر پادشاه خلاص می‌شود. (حال موحاممدوف، ۱۹۷۹: ۱۸۲-۱۷۷)

پری مهربان در افسانه جهان پهلوان که اسیر دیو است و توسط جهان پهلوان آزاد می‌شود، در ادامه افسانه یاریگر قهرمان است. اقدامات این پری باعث می‌شود که قهرمان دوباره بینایی خودش را به دست بیاورد. (قاقالییوا، ۲۰۰۸: ۱۸۲-۱۷۸)

پری افسانه پسر پهلوان، در کنار قهرمان افسانه، شمشیر به دست به سپاه دشمن می‌تازد. آن دو سپاه دشمن را تار و مار می‌کنند. (مثراد قولییوا، ۲۰۱۱: ۳۰۵) پریان در افسانه‌های صالح بای به یاری قهرمان می‌آیند و در مدت بسیار کوتاهی، سپاه شاه و اطرافیان او را شکست می‌دهند. (قاقالییوا، ۲۰۰۸: ۳۵۲)

در بحث قبلی اشاره شد که پریان، قهرمان را در مدت کوتاهی به مقصدش می‌رسانند. مشخص است که اگر یاری پریان نمی‌بود، به هیچ وجه قهرمان افسانه قادر نبود که این مسیر طولانی را طی کند.

پری مهربان در افسانه پری مهربان و جوان خدمتکار، به خدمتکار جوان عنایت و توجه خاص دارد. پادشاهی برای جلوگیری از ازدواج دخترش با جوان خدمتکار او را به مأموریت سخت و ناممکن می‌فرستد. در مأموریت دوم که مرتبط به بحث ماست از او می‌خواهد که به آخر دنیا برود و ببیند که خورشید و ماه چگونه طلوع می‌کنند و راز طلوع کردن آن‌ها را

به پادشاه بگوید. در این صورت می تواند آزادانه به هر جا که بخواهد برود. جوان خدمتکار سختی های فراوانی را متحمل می شود ولی موفقیتی بدست نمی آورد. تا آن که یک پری او را می بیند و در یک چشم به هم زدن او را به کنار دریاچه ای می برد. آب این دریاچه سحرآمیز است و خورشید و ماه توی این دریاچه آب تنی می کنند... وقتی که خورشید ابتدا به داخل دریاچه و سپس به آسمان می رود، جوان با راهنمایی پری داخل آب دریاچه می پرد و به جوانی زیبا و قوی تبدیل می شود. در ادامه افسانه، پری برای او شمشیر و اسب و لباس هم تهیه می کند. در پایان افسانه، این جوان از ازدواج با دختر پادشاه خودداری می کند و در مبارزه با شاه او را شکست می دهد. (پاک، ۱۳۸۹: ۲۴۸-۲۴۵) اگر یاری و راهنمایی پری



نمی بود، جوان خدمتکار جوانی زیبا و قوی نمی شد و پادشاه او را از بین می برد.

در افسانه چوپان و پادشاه، پری گلریز، چوپان یعنی قهرمان افسانه را از میان آتش بیرون می برد. (همان، ۱۴۷)

قبلا نوشتیم که در افسانه آی پری، قدرت پیشگویی پری باعث نجات قهرمان از مرگ می شود.

در برخی از افسانه ها، حاکمان از قهرمان می خواهند که برای آنان در مدت کوتاهی قصری باشکوه و یا قلعه ای شگفت انگیز بسازند. روشن است که قهرمان از عهده این کار برنمی آید. پریان برای قهرمان افسانه پسر دؤیه بهاءالدین چنین قلعه ای را در یک شب می سازند. قلعه ای که چهار دروازه دارد و هر

دروازه آن نشانگر یک فصل است. (قاقالیو، ۲۰۰۸: ۹۸-۹۷)

قهرمان تنبل افسانه ارنهمن کل با کلام سحرآمیز مار سفید که یک پری است، به خواسته های خود می رسد. در صفحات قبل آمد که مار سفید یا پری به او گفته بود: هر وقت گرفتار شدی و یا خواسته و آرزویی داشتی، بگو با فرمان مار سفید، خواسته و آرزوی من برآورده شود، همان موقع مراد تو حاصل خواهد شد. در طول افسانه، خواسته های شخصیت اصلی افسانه با به زبان آوردن این کلام انجام می شود. به دو سه مورد اشاره می کنیم. این پسر تنبل روی توده هیزم ها می نشیند و از آن ها می خواهد که از جنگل به سوی روستا روانه شوند. در افسانه چنین اتفاقی می افتد. مردم از دیدن او و هیزم ها که حرکت می کردند، انگشت به دهان می مانند. در صحنه ای دیگر، او باردیگر این کلام را به زبان می آورد و می خواهد که دختر خان از آن او

باشد. نه تنها خواسته او انجام می‌شود بلکه این دختر همان موقع آبستن و سه روز بعد صاحب یک پسر پهلوان می‌شود. خان با شنیدن این قضیه حکم می‌دهد که دخترش را از دار آویزان کنند. او با توصیه وزیرش از این امر خودداری می‌کند. وزیر ارنهمن کل را شناسایی می‌کند... خان در پی از بین بردن دخترش، ارنهمن کل و پسر او است... اما قهرمان افسانه با به زبان آوردن آن کلام سحرآمیز جلوی نقشه او را می‌گیرد... در ادامه به خواست ارنهمن کل در یک زمین شوره زار یک قصر چهل طبقه باشکوه بنا می‌شود. همه چیز در داخل این قصر فراهم بود... خان و همراهانش سواره برای دیدن قصر روانه می‌شوند... پسر کلام سحرآمیز را به زبان می‌آورد و می‌خواهد که اشخاص سواره تبدیل به اسب و اسبان تبدیل به آدم بشوند... و چنین نیز می‌شود و اسب‌ها سواره آدم‌ها می‌شوند... با خواهش و التماس زیاد دخترخان، این بار قهرمان افسانه، آن‌ها را به شکل قبلی شان درمی‌آورد... در ادامه می‌خوانیم که آن زمین شوره‌زار هم تبدیل به یک محل سبز و خرم شده است... پری این افسانه با کلام سحرآمیزش در مراحل مختلف قهرمان افسانه را یاری می‌کند. البته این پاداشی است که پری در برابر کمک اولیه قهرمان یعنی پناه دادن او، به این پسر تنبل داده است.

بطور اجمال می‌توان گفت که در افسانه‌های ترکمنی با زنان زیبارو- که به آنان پری یا پریزاد گفته می‌شود- و پریان روبرو هستیم. زنان زیبا یا پریوارها بجز زیبایی و ویژگی خاص پریان را ندارند مگر در موارد اندک.

در افسانه‌های ترکمنی در ارتباط با پریان می‌توان موضوعاتی چون زیبایی پریان، ازدواج پری و آدمی، شکل و قالب‌های مختلف پریان، علاقه پریان به موسیقی و برگزاری جشن، علاقمندی پریان به آب و آب تنی، پریان و دیو، سرزمین پریان و قدرت و توانایی‌های مختلف پریان مانند دعا، کلام و انگشتر سحرآمیز، توانایی پرواز و سرعت بالا، داشتن سواد، مهارت در سوزن دوزی، قدرت پیشگویی، قدرت جادویی و انجام کارهای خارق‌العاده و یاریگری پریان را مطرح کرد. کارکردها و ویژگی‌های پریان افسانه‌های ترکمنی شباهت‌های فراوانی به پریان افسانه‌های ایرانی دارند.

یادداشت‌ها:

۱- نام این افسانه مایمن‌بیکه و هاشمجان است. بهتر است آن را میمون‌بیگم و هاشمجان ترجمه کنیم. در شماره قبلی ما آن را میمون و هاشمجان ترجمه کرده بودیم که در این جا اصلاح می‌کنیم.

۲- افسانه‌های خواب فروخته شده و چوپان و پادشاه شباهت‌های زیادی با هم دارند. این دو افسانه از لحاظ محتوا و مضمون با اندکی تفاوت یکی هستند. در کتاب حال موحاممدوف با عنوان خواب فروخته شده و در کتاب عبدالصالح پاک با نام چوپان و پادشاه چاپ شده است.

۳- بخش‌هایی از افسانه گلنار شبیه افسانه میمون‌بیگم و هاشمجان است، ولی افسانه دوم مفصل‌تر از افسانه گلنار می‌باشد.